

تبیین ضرورت نیاز به امام بر مبنای روایات «الاضطرار الی الحجه»

الكافی

مهری عابدی^۱

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی ضرورت وجود امام در جامعه اسلامی با استناد به روایات موجود در کتاب اصول کافی می‌پردازد. در این راستا، مفهوم "اضطرار الی الحجه" به عنوان یک اصل بنیادین در اعتقادات شیعه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. روایات مختلفی که در این کتاب به تبیین نقش و جایگاه امام معصوم پرداخته‌اند، نشان دهنده این است که وجود امام به عنوان راهنمای الهی، نه تنها برای هدایت مردم بلکه برای حفظ دین و جلوگیری از انحرافات ضروری است. این مقاله با بررسی این روایات و تحلیل محتوای آن‌ها، به این نتیجه می‌رسد که وجود امام در هر زمان و مکان، به عنوان یک ضرورت انکار ناپذیر در راستای تحقق اهداف الهی و اجتماعی جامعه اسلامی مطرح می‌باشد.

واژگان کلیدی: ضرورت، اضطرار، امامت، کتاب الحجه، الکافی

^۱ . طلبه پایه پنجم، مدرسه فاطمه محدثه سلام الله علیها،

مقدمه:

در معنای گسترده، امامت یو پیشوایی یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی بشر است. ضرورتی که ورای پیشینه تاریخی آن در جوامع مختلف رویکردهای مختلف فلسفی، عرفانی، کلامی نیز به آن شده است و نحله‌های مختلف فکری به ابعاد مختلف آن توجه کرده‌اند و پیرامون آن سخن گفته‌اند. با نگاه دینی واز منظر وحیانی که به امام نگریسته شود، تاریخ امامت و رهبری برابر با تاریخ بشر است، زیرا پیامبری نخستین جلوه امامت و رهبری دینی در حیات بشری است که تاریخ آن با تاریخ بشر همزاد است. در دوره نخستین که زندگی بشر ساده بود، پیامبان الهی با بره‌مندی از عقل محکم و الهام‌های قدسی به رهبری جامعه بشری می‌پرداختند. پس از آن دوره که زندگی پیچیده‌تر شد، این هم بر اساس کتاب و شریعت آسمانی معین انجام شد. این معنا و تفسیر را می‌توان در جلد دوم المیزان ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره دید. امامت معنای خاصی دارد، یعنی رهبری جامعه بشری به عنوان جانشین پیامبر الهی. فارغ از رویکردهای مختلف تاریخی، فلسفی، کلامی و دیگر رویکردهای پژوهش حاضر قصد واکاوی ضرورت امامت بر اساس بیان امامان را دارد. زیرا آنان عالمان حقیقی عالمند و بهتر از هر شخص و هر جهتی می‌توانند بیان کننده ضرورت امامت باشند. از روایات به دست می‌آید که همه پیامبران جانشینانی داشتند که پس از آنان رهبری امت آن پیامبر را بر عهده می‌گرفتند. نمونه این روایات در مناقب خوارزمی حدیث ۷۴ فصل هفتم و مناقب ابن مغازلی حدیث ۲۳۸ و دیگر کتب موجود است. بر اساس این روایات علی بن ابی طالبی (علیه السلام) وحی و جانشین پیامبر و خاتم اوصیاء است. بنابراین امامت امت اسلامی به عنوان وصایت و جانشینی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌تواند معنای اخص امامت باشد که پذیرش آن از واجبات اصول اعتقادی است. در بیان ائمه معصومین تمام ابعاد این منصب الهی بر اساس عقل و نقل تبیین شده است یعنی امام گاه با ارائه تفسیری از آیه یا آیاتی از قرآن به بیان آن مسأله پرداخته است و گاه نیز با ارائه برهان عقلی به آن پرداخته است و در این راستا تنها منبع اصلی آن الحجه الکافی و شرح آن و برخی کتب دیگر اعتقادی کلامی است. اما محور اصلی آن حدیث است.

ضرورت تحقیق از آن جهت است که ابتدا مسأله امامت یکی از مهم‌ترین مسائل اعتقادی دین اسلام است، تا آنجه که در روایات فراوانی اشاره شده است که شناخت صحیح امامت و امام سنگ بنای همه اعتقادات است و حتی فهم صحیح توحید و معاد و بسیاری

مسائل دیگر با فهم امامت امکان‌پذیر است. از طرف دیگر در عصر حاضر ضرورت واکاوی و شناسایی ابعاد امامت ضرورت بیشتری می‌یابد. زیرا هجمه‌های زیادی از جنگ نرم دشمن به سوی امامت است. اکثر شبهات را تنها می‌توان با شناخت صحیح امامت پاسخ گفت و بهترین شناخت از امام نیز از بیان خود امام بدست می‌آید و ضرورت شناخت امام برای یک شیعه بیشتر از دیگران است. ضرورت دیگر شاید ضرورت مراجعه به احادیث است که آن نیز امروز به ویژه در جوامع علمی معاصر بسیار مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد.

همان‌طور که عنوان شد، مسأله امامت همزمان با تاریخ بشر بوده است و از همان آغاز نیز مورد بررسی قرار گرفته و مکتوبات مختلفی در مسأله امامت به رشته تحریر درآمده است. ذیل آیات مربوط به امامت در کتب مختلف ادیان، رساله‌های جداگانه در امامت و ... با رویکردهای مختلف کلامی، تاریخی و فقهی در دین اسلام از آنجا که امامت یک مسأله مهم و مورد اختلاف شیعه و سنی است آثار نگاشته شده پیرامون امامت بسیار زیاد و از حد شمارش بیرون است. زیرا علاوه بر تألیفات مستقل شیعی در تبیین امامت با رویکردهای مختلف علماء و حکما و فقیهان شیعه در مقابل مکتوبات مغرضانه اهل سنت قد علم کرده‌اند و در پاسخ یک جلد کتاب گاه تا حد صد جلد کتاب نوشته‌اند، از جمله می‌توان به کتاب عبقات الانوار مسر جامد حسن خان هندی اشاره کرد که در پاسخ به یک جلد کتاب ۷۰ جلد کتاب نگاشت. علامه امینی نیز الغدیر را به رشته تحریر درآورده و از یان دست بسیار است.

نوشتار حاضر از لحاظ ماهیت بنیادی از جهت هدف توصیفی - تحلیلی - اسنادی و از جهت ابزار کتابخانه‌ای است.

مفاهیم:

پیش از ورود به بحث لازم است برخی مفاهیم کمی روشن شود:

۱- ضرورت

منظور از ضرورت در نوشتار حاضر همان اضطرار است که در عنوان ادلین باب کتاب الحجه اصول کافی کلینی آمده است. در لغت ضرورت به معنای لزوم و انفکاک ناپذیری است.^۱ اضطرار در لغت مصدر باب افتعال از ریشه «ضرر» به معنای ناچار بودن از پذیرش ضرر یعنی آسیب و گزند است و ضرورت اسم مصدر آن است.^۲ پس ضرورت به نیاز شدید گفته می‌شود که بر آورده نشدن آن ممکن است خطر جانی یا زیان مالی جبران ناپذیری را به وجود آورد.

۲- الکافی:

کتاب الکافی اثر محمد بن یعقوب کلینی است. ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی ملقب به ثقه الاسلام، رئیس المحدثین راوی سلسلی و بغدادی است. او در قرن سوم هجری در یکی از روستاهای ری بنام کلین در خانواده‌ای دانش دوست چشم به جهان گشود، زمان دقیق ولادت او مشخص نیست. اما بر اساس قراین تاریخی می‌توان گفت که او با فاصله کوتاهی قبل یا پس از ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرج الشریف) یعنی حدود ۲۵۵ هجری قمری ولادت یافت.^۳ بنابر نظر آیت الله خویی ولادت کلینی پس از شهادت امام حسن عسکی (علیه السلام) است و لذا ایشان هم زمانی کلینی را با بخشی از حیات آن امام نمی‌پذیرد.^۴ خاندان کلینی از تبار علم و فضیلت هستند. پدر و دایی او همگی در شمار علماء بوده‌اند، حوادث سیاسی و اجتماعی واقع شده در ری باعث شده که تاریخ علمی و فرهنگی ری در قرن های ۲ و ۳ در ابهام فرو رود. بنابراین جزئیات زندگی و تحصیل و دوران جوانی کلینی تا زمان اقدامش به تألیف کتاب کافی معلوم نیست. تنها از این جهت که برخی از بزرگان شیعه از کلینی درخواست تدوین کتابی مثل کافی را نموده‌اند و با توجه به اینکه تألیف این کتاب ۲۰ سال طول کشیده است و با حساب عمر ۷۴ ساله او می‌توان فهمد که او در حدود میان ۴۰ تا

۱. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۰۵؛ طریحی، مجمع الیان، ج ۳، ص ۱۵

۲. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۳۰۲ و ۳۰۳

۳. نصیری، آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، ص ۳۱

۴. خویی، معجم رجال الحدیث، ص ۵۷

۵۰ سالگی به تألیف کتاب کافی روی آورده است و با این بیان او در آن زمان و سال‌ها از جایگاه و مقام علمی ممتازی برخوردار بوده است. این امر زمانی بیشتر آشکار می‌گردد که به این نکته توجه شود که و پس از تدوین کافی و در سال ۳۲۷ یعنی دو سال قبل از وفات، آن گاه که وارد بغداد شد مورد تحلیل و احترام بزرگان فریقین قرار گرفت و در سلسله‌الدرب به تدریس و تعلیم کافی پرداخت.^۱

کلینی در سال ۳۲۸ و ۳۲۹ در بغداد چشم از جهان فرو بست و محمدبن جعفر حسینی، ابوفراط، بر او نماز خواند و در بغداد و در تکیه مولویه مدفون شد، سال‌ها بعد حاکم بغداد به خاطر مخالفت با شیعیان امر به تخریب قبر کلینی کرد؛ اما با سلامت جسد مواجه شد و از مقام معنوی کلینی آگاه شد، بنابراین خود او بر قبر کلینی بارگاهی ساخت. او صاحب آثار دیگری غیر از کافی نیز بوده است و آثار او نشان می‌دهد که افزون بر حدیث در علوم دیگر مانند کلام و رجال نیز صاحب نظر بوده است.^۲

اما اصول کافی نخستین و مهم‌ترین جامع روایث شیعه است که به دست کلینی در قرن سوم هجری و در طی ۲۰ سال تدوین شده است. این کتابدر هشت جلد منتشر شده است، ۲ جلد آن مربوط به عقاید و اخلاق است که به آن اصول می‌گویند. ۵ جلد آن به فروع فقهی و احکام اختصاص یافته که به آنها فروع کافی گفته شده است. یک جلد آن نیز به انعکاس روایاتی در زمینه‌های مختلف مثل تفاسیر آیات، پند و موعظه و ... اختصاص یافته است که به آن روضه کافی می‌گویند. به طور کلی کافی دارای ۳۶ کتاب (فصل) و ۳۶ باب است. درباره تعداد روایات آن اختلاف نظر است اما آنچه بر اساس شمارش دقیق انجام گرفته ۱۵۳۵۵ روایت است.^۳

در زمان کلینی حدیث با سه مشکل روبرو بود:

- ۱- عدم تصنیف یک منبع منسجم حدیثی در زمینه دین شناختی تا بتوان با مراجعه به آن پاسخ پرسش‌های خود دست یافت.
- ۲- از بین رفتن منابع حدیث و میراث شیعی به علت پراکندگی و عدم انسجام احادیث در یک مجموعه کلی.

۱. غفار، الکلینی و الکافی، ص ۶۵

۲. همان، ص ۱۶۳؛ نصیری، آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، ص ۳۳

۳. نصیری، آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، ص ۴۰

احادیث دیگر این باب از لحاظ مضمون و الفاظ تا حدود زیادی مشابه بلکه یکسانند به جز حدیث چهارم که امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «الحجّة قبل الخلق و مع الهلق و بعد الخلق»^۱ که حدیث دلالت می‌کند که حجت همواره در زمین هست و خدا به این نیاز بشر به وجود حجت در همه زمان‌ها پاسخ داده است.

علامه مجلسی در بیان این حدیث می‌نویسد: «حجت خدا قبل از خلق به عیت، بعد از خلق به غایت و با خلق به زمان موجود است.» هم‌چنین بیان می‌کند که امام قبل از همه مکلفین یعنی قبل از آدم در میثاق موجود است و با خلق در دنیا هست و بعد از مرگ در قیامت نیز هست.^۲

ملاصدرا می‌نویسد: «امام حجت بر خلق است قبل از خلق از آن جهت که واسطه در ایجاد خلق است، حجت بر خلق است بعد از خلق زیرا از غایاتی است که جسمانیات به آن منتهی می‌شود و با خلق حجت است چون نور هدایت آنان در تاریکی‌ها به سبیل قدس است.»^۳

۲- وجود دائمی حجت خدا در زمین

حجت خدا تنها با وجود امام محقق می‌شود، خدا پایدار و پاینده است، تا خدا هست و مخلوقات و موجودات در زمین زنده اند و زندگی می‌کنند، نیازمند به حجت خدا هستند. بنابراین زمین هیچ گاه از حجت خدا خالی نمی‌ماند. محمد بن یعقوب کلینی در ۱۳ حدیث این مهم را بیان می‌کند که برخی از آنها بیان می‌شود.

در حدیثی حسین بن ابی العلاء از امام صادق (علیه السلام) سؤال می‌کند که آیا زمین بدون امام می‌شود؟ امام پاسخ منفی می‌دهد. او می‌پرسد آیا وجود ۲ امام ممکن است؟ امام می‌فرماید خیر. جز آن که یک امام صامت باشد.^۴

در این حدیث ضمن نفی خالی بودن زمین از امام، دو اصطلاح جدید نیز بیان می‌شود، امام صامت و امام ناطق که مجلسی در مرآة العقول بیان می‌کند مانند امام حسن و امام

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۳

۲. مجلسی، مرآة العقول، ج ۲، ص ۲۹۴

۳. ملاصدرا، شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸

۴. قَالَ: قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَكُونُ الْأَرْضُ لَيْسَ فِيهَا إِمَامٌ؟ قَالَ: «لَا». قُلْتُ: يَكُونُ إِمَامَانِ؟ قَالَ: «لَا، إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا صَامِتٌ». (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۳).

حسین (علیهما السلام) که امامت امام حسن (علیه السلام) آشکار و علنی بود و او دعوت می کرد و امام حسین (علیه السلام) امام صامت و تحت ولایت برادر خویش بودند.^۱

احادیث دیگر نیز در همین مضمون است با تأکیداتی نظیر اینکه بدون وجود امام زمین باقی نمی ماند و این به معنای فرو رفتن زمین است نه اینکه بندگان دچار آسیب شوند یا زمین از آبادانی ساقط شود، بلکه با عدم وجود امام به طور کلی زمین فرو خواهد رفت.

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمودند: خیر در حدیثی دیگر امام فرمودند: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ، لَسَاخَتْ»^۲

ساخ به معنای فرو رفتن است فرو رفتن در آب یا به نحو حقیقی مدّ نظر است یا مجازی یعنی نابودی زمین.^۴

این که زمین خالی از امام نیست مورد اتفاق همه است و تنها گروه اندکی در آن اختلاف دارند، به این بیان که آیا نصب امام از طرف بشر وجوب نقلی دارد یا عقلی است یا بر عهده خداوند است؟ اکثر اهل سنت و معتزله بر این باورند که با ادله نقلی نصب امام بر عهده بشر است. جاحظ، کعبی و حسن بصری معتقدند براساس ادله عقلی نصب امام بر عهده بشر است، و شیعه معتقد است با دلایل عقلی نصب امام امری الهی است.^۵

بنابراین خداوند متعال در پاسخ به نیاز بشر برای وجود امام، این نیاز را بی پاسخ نمی گذارد و همواره در زمین امامی هست که نگهدارنده زمین است و اگر او نبود زمین با اهلش فرو می رفت همان گونه که موج دریا اهلش را فرو می برد.^۶

۳- اصطفا‌ی الهی امام

خداوند در پاسخ به نیاز به امام، تنها راه اقامه حجت خویش را وجود امام قرار داد و نیز تنها حافظ زمین را امام. اما در پاسخ اصلی به این نیاز همان طور که بیان شد امام را نیز خود برگزید و به عبارت دیگر اصطفاء و اجتناء نمود.

۱. مجلسی، مرآه العقول، ج ۲، ص ۲۹۵.

۲. قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ؟ قَالَ: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ، لَسَاخَتْ».

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۷.

۴. مجلسی، مرآه العقول، ج ۲، ص ۲۹۷.

۵. ملاصدرا، شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۰ و مجلسی، حیاة القلوب، ج ۵، ص ۱۷.

۶. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً، لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ».

۷. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۸، حدیث از امام باقر (علیه السلام).

همان طور که بیان شد در اعتقاد مذهب شیعه، انتخاب امام به نصّ خدا و رسول است و با بیعت و اختیار امام حاصل نمی شود. بنابراین از دیدگاه شیعه امامیه، راه اصلی و اساسی در تعیین امام نصّ شرعی است. فاضل مقداد که قایل به همین نظریه است می گوید نصّ گاهی قولی است و گاهی فعلی، مانند آفریدن معجزه به دست مدّعی امامت، زیرا گاهی امام برای اثبات مدّعی خود به معجزه نیاز دارد، بدین جهت لازم است امام بتواند کارهای خارق العاده انجام دهد.^۱

از روایات بسیاری هم استفاده می شود که ولایت و خلافت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به نصب الهی و تعیین اوست، یک نمونه برای مثال بیان می شود و سپس به تبیین دلایل عقلی بر لزوم نص پرداخته می شود.

ابن هشام نقل می کند: «بنی عامر بن صعصعه خدمت حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدند، حضرت آنان را به خداوند متعال دعوت نمود و نیز خود بر آنان عرضه کرد. شخصی از آنان به نام «بحیره بن فراس» به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: به من بگو اگر ما با تو بر اسلام بیعت کنیم، آن گاه تو بر دشمنانت غلبه کردی آیا ما بعد از تو حقّی در امر خلافت داریم؟ حضرت فرمود: امر امامت و خلافت و جانشینی من به دست خداست و هر جا که صلاح بداند قرار می دهد...»^۲

^۱. سیوری، اللوامع الالهیه، ص ۳۳۴.

^۲. رضوانی، امام شناسی و پاسخ به شبهات (امامت در حدیث)، ص ۴۱.

نتیجه‌گیری:

تحلیل و بررسی ضرورت وجود امام معصوم در جامعه اسلامی به ویژه با استناد به روایات "اضطرار الی الحجه" در کتاب اصول کافی، نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است که امام در هدایت و رهبری جامعه دارد. این روایات به وضوح بیان می‌کنند که وجود امام به عنوان یک راهنمای الهی، نه تنها برای تأمین امنیت و آرامش اجتماعی نیز ضروری است.

یکی از نکات کلیدی که در این مقاله به آن پرداخته شد، مفهوم "اضطرار" است. این مفهوم به معنای نیاز مردم و ضروری به وجود امام در زمان‌های مختلف، به ویژه در دوران غیبت، تأکید دارد. بر اساس روایات، در زمان‌هایی که جامعه اسلامی با چالش‌ها و بحران‌های مختلفی مواجه است، وجود امام به عنوان یک منبع الهام و هدایت، می‌تواند به حل مشکلات و ایجاد وحدت در میان مسلمانان کمک کند.

علاوه بر این، روایات موجود در اصول کافی نشان می‌دهند که امام معصوم به عنوان یک الگوی کامل انسانی، می‌تواند به عنوان مرجع و معیاری برای رفتار و اخلاق مسلمانان قرار گیرد. این الگو نه تنها در زمینه های دینی، بلکه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز می‌تواند راهگشا باشد.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که وجود امام معصوم در هر زمان و مکان، به عنوان یک ضرورت انکارناپذیر در راستای تحقق اهداف الهی و اجتماعی جامعه اسلامی مطرح می‌باشد. این ضرورت نه تنها به حفظ دین و اصول آن کمک می‌کند، بلکه به ایجاد یک جامعه سالم و متعادل نیز منجر می‌شود. بنابراین، توجه به این موضوع و تبیین آن در میان مسلمانان، می‌تواند به تقویت ایمان و وحدت در جامعه اسلامی کمک شایانی نماید.

فهرست منابع:

الف) منابع فارسی:

۱. ربانی گلپایگانی، علی، امامت در بینش اسلامی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲. نصیری، علی، آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، پژوهشگاه بین المللی المصطفی، قم، ۱۳۹۳ ه.ش.
۳. مجلسی، محمدباقر، حیوه القلوب، انتشارات سرور، قم، ۱۳۹۳ ه.ش.

ب) منابع عربی:

۱. حلی، حسن بن یوسف، الالفین الفرق بین الصدق و المین، المتبه الحیره، نجف اشرف، ۱۳۸۸ ه.ق.
۲. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال حدیث، منشورات مفید، قم، ۱۴۰۳ ه.ق.
۳. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، المكتبه المرتضویه، تهران، بی تا.
۴. سیوری، فاضل مقداد، اللوامع الالهیه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۲۲ ه.ق.
۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البیان، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.
۶. غفار، عبدالرسول، الکلینی و الکافی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۶ ه.ق.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالحدیث، قم، ۱۳۹۲ ه.ش.
۸. مجلسی، محمدباقر، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ ه.ق.
۹. مازندرانی، محمدصالح، شرح الکافی، المكتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع، تهران، ۱۳۴۲ ه.ش.
۱۰. ملاصدرا، صدرالدین، شرح اصول کافی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بی جا، ۱۳۸۳ ه.ش.